

فقه واجتهاد

دوفصلنامه تخصصی فقه و علوم وابسته
سال سوم، شماره ششم (پاییز و زمستان ۱۳۹۵)
سال چهارم، شماره هفتم (بهار و تابستان ۱۳۹۶)



صاحب امتیاز: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام
مدیر مسئول: آیت الله محمدجواد فاضل لنکرانی
سر دبیر: دکتر حمید ستوده



شورای مشاوران علمی (به ترتیب حروف الفبا):

سید جواد حسینی خواه (استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم) / حمید ستوده (استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی ایران) / محمدجعفر طبعی (مدرس دانشگاه و استاد حوزه علمیه قم) / سید علی علوی قزوینی (دانشیار دانشگاه تهران، پردیس فارابی) / ابوالقاسم علیدوست (دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی) / محمدجواد فاضل لنکرانی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم) / محمدرضا فاضل کاشانی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم) / محمد قاضی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم) / محمدعلی قاسمی (استاد حوزه علمیه قم و مدرس جامعه المصطفی العالمیه) / محمدمهدی مقدادی (دانشیار دانشگاه مفید قم) / سید محمد نجفی یزدی (استادیار جامعه المصطفی العالمیه و استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)



دبیر اجرایی: محسن شیرخانی
ویراستار فنی: رضا پورصدقی
همکاران مترجم در این شماره: حبیب ساعدی (عربی) - سید محمد سلطانی (انگلیسی)
نشانی: قم، میدان معلم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، معاونت پژوهش، دفتر فصلنامه فقه و اجتهاد
تلفن: ۳۷۷۴۹۴۹۴ - ۰۲۵ - دورنگار: ۳۷۷۳۰۵۸۸ - ۰۲۵
قیمت: ۴۵۰۰۰۰ ریال



Feqhi-jurisprudential Analysis of the Whatness of Embezzlement

Mahdi Meqdadi Davoudi

Abstract

Embezzlement has happened from the beginning of Islamic era until now. In hadiths narrated from Imams embezzlement is defined in different ways. There are two famous viewpoints about the whatness of embezzlement: the first one defines it as secretly stealing a unprotected object, and the second one defines it as openly stealing something in streets or alleys without force or weapon. This concept is also defined in law but incompletely and incomprehensively. The results of this study show that according to hadiths the whatness of embezzlement in Shia jurisprudence is: “Overtly and rapid stealing of something without force or weapon when its owner is unaware”. But in law it can be defined as: “State employees’ betrayal of people’s assets entrusted to them”.

Keywords: Embezzlement, Shia Imami Jurisprudence, Embezzlement in Law, Stealing.



دراسة فقهية قانونية لحقيقة الاختلاس

مهدى المقدادى الداودى

٢٣٧

الخلاصة: الاختلاس هو واحد من الابحاث التي كانت موجودة في زمن الائمة المعصومين عليهم السلام، الى حد قد وردت في الروايات وقد فسر الاختلاس بتعابير مختلفة ويوجد رأيان مشهوران في الفقه حول حقيقة الاختلاس. الرأي الاول: ان الاختلاس هو اختطاف سري لاموال الغير، واما الرأي الاخر هو اختطاف المال بشكل علني في الأزقة والطرق من دون سلاح وقوة. واما في القانون فقد فسر حقيقة الاختلاس بعض المحققين ولكن بيانه ليس جامعا وكاملا. ونتيجة هذا البحث هي أنه من خلال التدقيق في النصوص الواردة في مقام التعليل ومن خلال التفسير الوارد فيها، فان حقيقة الاختلاس في فقه الامامية هو عبارة عن: «اختطاف علني وسريع للمال من دون سلاح وقوة مقارن لغفلة صاحب المال» وفي القانون، الاختلاس هو الخيانة في الامانة من قبل الموظفين العموميين بحيث يتم الاستيلاء على ممتلكات الدولة أو ممتلكات الأشخاص الذين قد اودعوا اموالهم عندهم. الكلمات الرئيسية: اختلاس الاموال، فقه الامامية، الاختلاس في القانون، الاختطاف.



بررسی فقهی - حقوقی ماهیت اختلاس

مهدی مقدادی داودی*

۱۵۱

بررسی فقهی - حقوقی ماهیت اختلاس

چکیده

اختلاس یکی از مباحثی محسوب می‌گردد که در طول تاریخ از زمان معصومین علیهم‌السلام تا به امروز، واقع گشته است، به طوری که در روایات وارده، اختلاس به تعبیر گوناگون تفسیر و معنا شده است. دو دیدگاه مشهور در فقه، پیرامون ماهیت اختلاس موجود است. دیدگاه اول اختلاس را به ربودن پنهانی مال از غیر حرز بیان می‌کند و دیدگاه دوم اختلاس را به ربودن آشکار مال در کوچه و راه‌ها، بدون سلاح و زور مطرح می‌کند. در حقوق نیز، برخی از پژوهشگران، ماهیت اختلاس را بیان نموده‌اند ولی کامل و جامع نمی‌باشند. حاصل این پژوهش آن است که با عنایت به نصوص وارده در مقام و تعلیل و تفسیری که در آن ارائه شده، ماهیت اختلاس در فقه امامیه به معنای ربودن آشکار و سریع مال، بدون سلاح و زور که با غفلت صاحب مال، همراه است و در حقوق به معنای خیانت در امانت کارکنان دولتی است به طوری که اموال دولتی یا اموال اشخاصی که به دست آنان سپرده شده، تصاحب و یا اتلاف گردد.

کلیدواژگان: اختلاس اموال، فقه امامیه، اختلاس در حقوق، ربودن.

* دانش‌آموخته سطح سه حوزه علمیه قم.

مقدمه

اختلاس یکی از اقسام سرقت تعزیری است که در روایات ابواب سرقت، به ماهیت و احکام آن، اشاره شده است؛ به همین خاطر فقها از قدما تا به معاصرین، پیرامون این مبحث، مطالب ارزشمندی را بیان کرده‌اند. اقوال فقهی موجود در بحث، حاکی از آن است که عمده قدما، اختلاس را به ربودن آشکار از غیر حرز و برخی از متأخرین آن را به ربودن پنهانی از غیر حرز معنا کرده‌اند. در هر صورت، فقهای عالی مقام و حقوقدانان محترم، پیرامون اختلاس، مطالب مهم و ارزنده‌ای را بیان فرموده و اختلاس را مورد تحلیل و بررسی قرار داده‌اند. اختلاس در فقه، ذیل کتاب حدود، بخش سرقت‌های تعزیری، بررسی شده و در ماده ۵ و ۶ قانون رشا و ارتشا آمده است. از آنجا که شاهد رشد روز افزون بودن جرم اختلاس، در جوامع بشری می‌باشیم فلذا نباید به همین مقدار پژوهش اکتفا شود و باید نگاه جامع و گسترده‌تری، نسبت به مفهوم و ماهیت اختلاس بشود. بدیهی است که علمای نامدار و پژوهشگران عرصه فقه و اجتهاد و همچنین حقوقدانان محترم، زحمات زیادی کشیده‌اند. ماهیت و حکم اختلاس در اصطلاح حقوقی، از ماده ۵ قانون تشدید رشا و ارتشا و اختلاس انتزاع می‌گردد. البته قانونگذار به ماهیت اختلاس اشاره نکرده و تنها به ذکر تعدادی از مصادیق آن اکتفا کرده است.

با توجه به تتبع نویسنده به نظر می‌رسد بیشتر مباحث مطرح شده، ناظر به احکام اختلاس و در غالب احکام اختلاس، اشاره‌ای کوتاه به بحث ماهوی آن شده است. از همین رو یکی از امتیازات پژوهش پیش رو، این است که متمرکز در بحث ماهیت اختلاس می‌باشد؛ و به صورت مستقل، اختلاس را در ادله نقلی وارده و اقوال لغویان، فقها و قانون، بررسی نموده تا ماهیت کاملی از آن، از منظر فقه و حقوق، ارائه شود.

با نگرشی کوتاه به اخبار و جراید، هر روزه شاهد وقوع جرم اختلاس در جوامع بشری هستیم که تعداد قابل توجهی از پرونده‌های دستگاه قضا در سراسر دنیا به این امر اختصاص داده شده است و نقش حوزه علمیه و فضیله‌ای حوزوی،

در راستای پاسخگویی به سوالات و شبهات مستحدثه بسیار ضروری می‌باشد. یکی از این مسائل پرداختن به مبحث تطبیقی ماهوی اختلاس با حقوق است. مباحث پیش رو در این نوشتار با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و نرم افزاری، با روش توصیفی و تحلیلی از روایات، اقوال فقها و سخنان حقوقدانان، گردآوری شده است.

۱. اختلاس در لغت

اختلاس مصدر باب افتعال، از ریشه «خ ل س» می‌باشد که اسم مصدر آن «خلسه» به معنای فرصت مناسب است (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۹۹۳). لغت‌دانان معانی مختلفی برای واژه اختلاس در کتاب‌های خود ذکر کرده‌اند که در مطالب پیش رو خواهد آمد:

۱. اختلاس به معنای استلاب آمده است. «خلستُ الشيء إذا استلبته، اختلاس کردم شیء را، هنگامی که سلب کرده‌ام آن را» بدست آوردن با حيله و نیرنگ و عجله و غاپیدن» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۶۵).

۲. «مالی را بوسیله دزدی و ستم بدست آوردن» (همان). مشابه تعریف ابن منظور را، زمخشری در اساس البلاغه بیان نموده است (زمخشری، ۱۴۱۷ق، ص ۱۷۲).

۳. «اختلاس کلمه‌ای عربی و به معنای ربودن و زود ربودن و سلب کردن می‌باشد» (دهخدا، ۱۳۷۷ش، ذیل واژه اختلاس).

۴. «نفس اخذ و گرفتن را اختلاس می‌گویند» (فیروزآبادی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۰۶).

۵. «برداشتن مال دیگری همراه با قهر و غلبه» (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۹۲۳).

۶. المنجد ذیل واژه اختلاس می‌نویسد: «چیزی را با عجله و شتاب ربودن و دزدیدن» (معلوف، ۱۳۸۴ق، ج ۱، ص ۴۱۲).

۷. «گرفتن سریع مال دیگری همراه با غفلت صاحب آن» (فیومی، بی‌تا، ص ۱۷۷؛

طریحی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۶۷۹ - ۶۸۰).

۸. «ربودن پول یا مال، و به معنی در حال خلسه بودن؛ و اختلاس اموال دولتی

به معنی ربودن مال و دارایی متعلق به دولت از طرف کارمند دولت است» (آموزگار، ۱۳۳۲ش، ص ۵۴).

۹. «ربودن، زود ربودن، دزدیدن، پولی بدون حق از صندوق بنگاه یا اداره ای برداشتن» (عمید، ۱۳۸۸ش، ص ۱۲۷).

۱۰. «اختلاس مصدر عربی بوده و عبارت است از تصرف در مالی که از طرف کسی به شخصی سپرده شده، مانند تصرف در مال شخصی خویش و...» (خلیل، ۱۳۷۳ش، ج ۱، ص ۸۰).

۱۱. «برخی اختلاس را زود ربودن چیزی و دزدیدن معنی کرده و اضافه کرده‌اند که اختلاس از نظر فقهی، مالی را از غیر حرز به طور مخفی ربودن، معنی می‌دهد» (معین، ۱۳۷۵ش، ج ۱، ص ۱۶۸).

اختلاس در زبان فارسی و عربی به یک معنا استعمال نمی‌شود، به همین خاطر اختلاس را لغت‌دانان عرب به معنایی، غیر از لغت‌دانان فارسی زبان، ارائه کرده‌اند. به طور مثال المنجد که لغات عربی را به زبان فارسی برگردانده و یا لغت‌نامه معین و عمید، اختلاس را، مشابه واژه غلول در زبان عربی، به معنای ربودن از بیت‌المال و اموال عمومی معنا کرده‌اند. لغت‌دانان عرب زبان، همچون صاحب مصباح المنیر و صاحب مجمع البحرین همانند فقه، اختلاس را نوعی ربودن مال به همراه سرعت و زیرکی دانسته و آن را مشابه جیب‌بری و کیف‌قاپی، برشمرده‌اند.

بنابراین به نظر می‌رسد می‌توان در مقام جمع بین تعاریف لغوی چنین بیان کرد که اختلاس عبارت است از سلب کردن و سریع ربودن مال دیگری که همراه با غفلت صاحب مال باشد و همچنین تصرف در مال امانی بدون اذن مالک آن، خواه از اموال شخصی باشد و خواه از اموال دولتی.

۲. اختلاس در روایات

واژه اختلاس در روایات شریف به «دغارة المعلنة» به مفهوم کسی که به طور آشکار اقدام به دزدی و ربودن اموال می‌کند (در لسان العرب واژه «دغارة» به معنای جستن رباینده بر کالا به منظور ربودن آن، آمده است؛ (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۲۸۸). در بعضی روایات دیگر به لفظ «خلسه یا اختلاس» کفایت شده

است. محدث عاملی در تفصیل وسائل الشیعه، روایات مربوط به اختلاس را در ابواب سرقت جای داده و عنوان روایات اختلاس را این گونه آورده است: «باب أنه لا قطع علی المختلس علانیه و علیه التعزیر» (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸، ص ۳۶۸) که در حقیقت این عنوان را از روایات اختلاس استخراج کرده و همچنین مشابه این تعبیر را مرحوم بروجردی در جامع احادیث شیعه، در مورد عنوان روایات اختلاس اختیار کرده است (بروجردی، ۱۳۸۶ش، ج ۳۰، ص ۵۷۴). از تعبیر این دو فقیه و محدث جلیل القدر به نظر می‌رسد که اختلاس بر ربودن آشکار صدق می‌کند، همچنان که این مطلب، از نص و ظاهر برخی روایات بر می‌آید. پاره ای از آن روایات عبارتند از:

۱. صحیحہ ابی بصیر: «أبی بصیر عن أحدہما علیه السلام قال: سمعته یقول قال أمیر المؤمنین علیه السلام: لا أقطع فی الدغارة المعلنه وهی الخلسة ولكن أعزرة» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۲۲۵ - ۲۲۶). ابوبصیر گوید: «از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام شنیدم که بیان داشت: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: در ربودن آشکار که همان اختلاس است، دست قطع نمی‌کنم اما او را تعزیر می‌کنم».

چنانچه مشاهده می‌شود در این روایت از قول حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، «دغارة المعلنه» با کلمه «و» تفسیریه، به اختلاس تفسیر شده است.

۲. صحیحہ محمد بن قیس: «علی بن إبراهیم عن أبیه و عدہ من أصحابنا عن سهل بن زیاد جمیعاً عن ابن أبی نجران عن عاصم بن حمید عن محمد بن قیس عن أبی جعفر علیه السلام قال: قضی أمیر المؤمنین علیه السلام فی رجل اختلس ثوباً من السوق فقالوا قد سرق هذا الرجل فقال إنی لا أقطع فی الدغارة المعلنه ولكن أقطع ید من يأخذ ثم یخفی» (همان، ص ۲۲۶). امام باقر علیه السلام فرمود: «امیرالمؤمنین علیه السلام درباره مردی که لباسی را از بازار اختلاس کرده است و مردم گویند که این شخص سرقت کرده است، فرمود: من در دزدی آشکار دست قطع نمی‌کنم ولی کسی که مخفیانه سرقت می‌کند، قطع می‌کنم».

در این روایت شریف امام باقر علیه السلام اختلاس را به نقل از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به «دغارة المعلنه» تعبیر فرموده‌اند.

۳. موثقه اول سکونی: «وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام أَتَى بِرَجُلٍ اخْتَلَسَ دُرَّةً مِنْ أُذُنِ جَارِيَةٍ قَالَتْ: هَذِهِ الدَّعَاةُ الْمُعَلَّنَةُ فَضْرَبَهُ وَحَبَسَهُ» (همان).

امام صادق عليه السلام فرمود: «مردی که مرواریدی را از گوش دختری اختلاس کرده بود، نزد امیرالمؤمنین عليه السلام آوردند. حضرت فرمود: این ربودن آشکار است. آن گاه حضرت او را زد و زندانی کرد».

همان طوری که ملاحظه می‌گردد در این روایت نیز اختلاس به «الدعارة المعلنة» تفسیر شده و حکم تعزیر نیز بیان شده است.

۴. موثقه دوم سکونی: «السَّكُونِيُّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ عليه السلام قَالَ: لَيْسَ عَلَى الطَّرَارِ وَالْمُخْتَلَسِ قَطْعٌ لِأَنَّهَا دَعَاةٌ مُعَلَّنَةٌ وَ لَكِنْ يُقَطَّعُ مَنْ يَأْخُذُ وَيُخْفِي» (قمی، ۱۳۸۶ش، ج ۲، ص ۵۴۴). سکونی از امام صادق عليه السلام و ایشان از امام باقر عليه السلام و ایشان از امیرالمؤمنین علی عليه السلام نقل فرمودند: «حد قطع بر جیب بر و مختلس جاری نمی‌گردد، به علت این که این اعمال ربودن آشکار است، در حالی حد قطع وقتی جاری می‌گردد که سرقت به صورت مخفیانه باشد».

در این روایت ماهیت و حکم اختلاس به طور روشن بیان گشته و علت عدم اجرای حد قطع بر مختلس و طرار آمده و در مقابل اختلاس و طرار، سرقت پنهانی را قرار داده و حکم آن را قطع دانسته است.

با توجه به توضیح و بیانی که از ائمه عليهم السلام در روایات باب اختلاس وارد شده، اختلاس عبارت است از سرقت و ربودن آشکار مال. به نظر می‌رسد اخذ قید سریع ربودن و غفلت مالک مال در ماهیت اختلاس، با توجه به معنای لغوی واژه «اختلاس» لازم می‌باشد؛ زیرا وقتی می‌توان مال فرد را در ملاء عام به صورت آشکار سرقت کرد که اولاً صاحب مال غافل باشد و ثانیاً همراه با سرعت عمل باشد؛ کما این که صاحب کشف اللثام به قید سرعت و غفلت صاحب مال، در ماهیت اختلاس تصریح فرموده است. (اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۰، ص ۶۴۷)

در نتیجه با عنایات به روایات وارده می‌توان گفت که «اختلاس عبارت است از سلب کردن و سریع ربودن اموال دیگری که به صورت آشکار و همراه با غفلت صاحب آن باشد».

۳. اختلاس در فقه

دو دسته قول مشهور درباره مفهوم فقهی اختلاس، در میان فقها مطرح می‌باشد که هر یک از این دو قول، طرفداران مخصوص به خود را دارا می‌باشد.

قول اول

عمده طرفداران به این نظریه، متأخرین فقها مانند فاضل هندی، شهیدثانی و صاحب ریاض می‌باشند. از علمای معاصر نیز مرحوم میرزا جواد تبریزی، طرفدار این نظریه است.

فاضل هندی در مورد این مبحث می‌نویسد: «مختلس کسی است که مال را از غیر حرز و با سرعت در زمانی که صاحب مال در حال غفلت می‌باشد، برمی‌دارد». (اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۰، ص ۶۴۷)

صاحب ریاض تصریح می‌کند: «مختلس کسی است که مال را به صورت پنهانی از غیر حرز بردارد» (حائری، ۱۴۱۸ق، ج ۱۶، ص ۱۶۶) و مشابه این تعریف را شهید ثانی در *الروضه البهیه* قائل شده است (عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۳۸۰).

مرحوم تبریزی، صاحب *اسس الحدود والتعزیرات*، در ذیل تعریف اختلاس می‌آورد: «اختلاس عبارت است از اخذ مال به صورت پنهانی، از غیر حرز» (تبریزی، ۱۴۱۷ق، ص ۴۰۵).

به طور خلاصه این دیدگاه مبتنی بر دو مبنا است: الف. ربودن مخفیانه ب. سرقت از غیر حرز صورت گیرد. از همین رو اختلاس از این منظر، عبارت است از ربودن پنهانی مال دیگری، از غیر حرز. البته با توجه به تتبع نگارنده، هیچ یک از فقهای طرفدار این قول، دلیلی بر تعریف مختلس بیان نفرموده و حتی تعبیر روایات را مناسب با تعریف برگزیده خود نمی‌دیدند؛ اما به دلیل این که این تعریف اشهر میان فقها است، آن را پذیرفته‌اند. (حائری، ۱۴۱۸ق، ج ۱۶، ص ۱۶۷)

نقد و بررسی نظریه اول

به نظر می‌آید با توجه به روایات باب اختلاس، شاید بتوان گفت که صدق اختلاس بر ربودن پنهانی محل تأمل و نظر باشد؛ زیرا در برخی روایات، ربودن

به دو صورت تقسیم شده است: ۱. ربودن پنهانی مال که سرقت نامیده شده است
 ۲. ربودن آشکار که به اختلاس تعبیر شده کما این که روایت دوم و پنجم در
 قسمت قبل به این مطلب تصریح داشت. اما در مورد «غیر حرز» که در ماهیت
 اختلاس بیان شده نمی توان وجهی را برای شرط غیرحرز با توجه به نصوص
 وارده پیدا نمود و در حقیقت می توان گفت که نیازی به این شرط نمی باشد. زیرا
 سرقت آشکار وقتی تحقق پیدا می کند که در ملاً عام باشد و مال در حرز نباشد،
 به دلیل این که اگر مال در حرز باشد، مال پنهان می شود و در نتیجه اختلاس
 صادق نیست بلکه سرقت است.

نظریه دوم

عمده فائلین به این نظریه قدما هستند. مبنای این نظریه بر دو امر می باشد. الف)
 سرقت آشکار باشد. ب) سرقت در راه و کوچه ها و بدون سلاح باشد. تفاوت
 نظریه دوم با نظریه اول بر دو امر می باشد. اول این که اختلاس باید در مرئی و
 منظر عموم مردم باشد. دوم این که اشاره ای به حرز و یا غیر حرز نشده است.
 مهمترین فائلین این نظریه عبارتند از:

۱. شیخ طوسی در النهایه در توضیح اختلاس می نویسد: «مختلس کسی است
 که به صورت آشکار چیزی را از کوچه و بازار می رباید» (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۷۲۲)
 ۲. ابن ادریس، در تعریف مختلس می فرماید: «مختلس، کسی است که مال را
 به صورت آشکار، در راه ها و جاده ها، بدون سلاح و زور سلب بنماید» (ابن ادریس
 حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۵۱۲).

۳. قاضی ابن براج (ابن براج، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۵۵۴) نیز مشابه تعریف شیخ طوسی
 را، برای اختلاس قائل شده است.

۴. ابن حمزه در تعریف مختلس می آورد: «مختلس، یعنی کسی که چیز پیدایی
 را می رباید و اگر با سلاح تهدید کند، محارب است» (طوسی، ۱۴۰۸ق، ص ۴۲۳).

این دو نظریه، قول مشهور فقهای امامیه می باشد. البته صاحب جواهر در
 کتاب شریف جواهر الکلام، تعریفی از واژه اختلاس بیان نمی فرماید و تنها به
 تعریف مستلک اکتفا می کند و مختلس را با آن، به یک معنا قلمداد می کند (نجفی،

۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۵۹۶ - ۵۹۷). همچنین برخی معاصرین پس از بررسی روایات و نظریه فقها، در مورد ماهیت اختلاس با توجه به اختلاف قدما و متأخرین، نظری در مورد ماهیت اختلاس انتخاب نکرده و این گونه آورده‌اند: «قول شهیدثانی که عبارت بود از برداشتن پنهانی مال، مخالف با روایات و قول بعض لغت دانان است ... به هر حال با توجه به نصوص و فتاوی فقها، اگر شخصی مال دیگری را بدون سلاح و محاربه بردارد و عنوان سرقت نیز صادق نگردد، آن فرد مستحق تعزیر می‌باشد، خواه این ربودن آشکار و با فرار رباینده همراه باشد و یا این که به صورت مخفیانه و همراه با غفلت صاحب مال همراه باشد» (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۷ق، ج ۳، ص ۶۵۵ - ۶۵۶). به نظر می‌رسد ایشان در ماهیت و عنوان اختلاس توقف فرموده و دلیلی بر رجحان اقوال بر یکدیگر نمی‌بینند و کاری با عنوان سرقت‌های غیر حدی نداشته و تنها به ذکر حکم آن، اکتفا فرموده‌اند.

به طور خلاصه، اختلاس در اصطلاح فقهی بنابر نظر شهید ثانی عبارت است از «ربودن پنهانی مال، از غیر حرز» (عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۳۸۰). عده‌ای از فقهای عظام در ماهیت فقهی اختلاس همین نظر را دارند، مانند صاحب ریاض و فاضل هندی. برخی دیگر از فقهای جلیل‌القدر همانند ابن حمزه (طوسی، ۱۴۰۸ق، ص ۴۲۳) و قاضی ابن براج (ابن براج، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۵۵۴) دیدگاه اول را نپذیرفته‌اند و در مورد ماهیت اختلاس قول دیگری را برگزیده‌اند. ابن ادریس که یکی از طرفداران قول اخیر محسوب می‌گردد، در کتاب سرائر این گونه بیان کرده است: «اگر کسی به صورت آشکار، در کوچه و راه‌ها بدون سلاح و زور سرقت کند، مختلس نامیده می‌شود» (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۵۱۲). از میان معاصرین نیز مرحوم خوبی، در مبانی تکمله المنهاج، کسی را که به صورت آشکار، مال دیگری را بریاید، براساس روایات، طرار (جیب‌بر) و مختلس قلمداد کرده است (خوبی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۳۵۱) و آنها را سارق نمی‌داند. همچنین در بحث سرقت حدی، در مورد ماهیت طرار و مختلس، اخذ از غیر حرز را، در ماهیت اختلاس شرط دانسته‌اند (همان، ص ۳۴۷). پس اگر دو مسئله در کنار یکدیگر قرار گیرند، اختلاس در نظر ایشان، عبارت است از «سرقت آشکار از غیر حرز». دسته سوم از فقها

غیر از دو مسلک فوق اختیار کرده‌اند و تعریفی برای اختلاس ارائه نداده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۵۹۶ - ۵۹۷).

با توجه به همه تعابیر و اقوال مطرح شده، به نظر می‌رسد نظریه دوم به صواب، نزدیکتر باشد؛ زیرا روایات و معانی لغوی اختلاس، به ربودن آشکار، تصریح دارند و همین صراحت در معنا، سبب تقویت قول دوم می‌گردد؛ به همین خاطر میان معنای لغوی و روایی با معنای فقهی آن، امکان جمع کردن وجود دارد؛ بلکه می‌توان میان قول اول و دوم به راحتی جمع کرد و مؤلفه‌های اختلاس را برشمرد: ۱. از حرز نباشد (در کوچه و راه‌ها و ... باشد) ۲. توأم با غفلت صاحب آن^۱ و زیرکی و سرعت باشد. وجه قید غفلت، سرعت و زیرکی از این باب است که ربودن آشکار، بدون سرعت و غفلت مالک، امکان ندارد؛ کما این که روایت ششم و لغت‌دانان و برخی فقها نیز به سریع ربودن اشاره نموده‌اند.

در نتیجه می‌توان برای اختلاس، معنای جامع و کاملی را تصور کرد که در برگیرنده معنای لغوی و روایی اختلاس و نیز شامل اقوال فقها باشد و آن عبارت است از: «ربودن آشکار و سریع مال، بدون سلاح و زور که با غفلت صاحب مال، همراه باشد».

۴. ماهیت اختلاس در حقوق

ماهیت اختلاس، در قانون نیامده و تنها به اثر و ذکر مصادیق آن اکتفا شده است؛ ولی در علم حقوق با توجه به مصادیق و عناوینی که قانون‌گذار برای اختلاس در نظر گرفته است، حقوق‌دانان ماهیت اختلاس را معین کرده‌اند.

اصل چهل و نهم قانون اساسی ایران، اشاره‌ای به احکام وضعی اختلاس

۱. کما این که صاحب جواهر در توضیح کلام شهید ثانی در مسالک نحوه وقوع اختلاس و تفاوت آن با استلاب این گونه آورده‌اند: «ولعل المنساق منه اخذ المال من صاحبه عند صدور غفلة منه» «شاید بتوان گفت که معنا و مفهومی که نزدیک به معنای خفیه (که در اختلاس اخذ شده و در مورد استلاب جهرا آمده است) می‌باشد، برداشتن مال است از صاحب آن، درحالی که وی غافل است» نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۵۹۷. این در حالی است که استلاب هنگامی صورت می‌گیرد که صاحب مال غافل نباشد و مال را حفظ کرده باشد ولی مستلب آن را به صورت آشکار می‌رباید و فرار بنماید.

داشته و دولت را موظف می‌کند تا اموال اختلاس شده را به بیت المال بازگرداند. همچنین در ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و رشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷، اختلاس را جرم انگاری کرده و مجازات آن را بیان کرده است. به هر روی حقوقدانان نظریات متفاوتی را در مورد ماهیت اختلاس، اظهار کرده‌اند. مهم ترین تعاریف حقوقی ماهیت اختلاس عبارتند از:

۱. «اختلاس به نوع خاصی از جرم خیانت در امانت مأمورین دولت اطلاق می‌شود و آن عبارت است از این که مأموری که برحسب وظیفه قانونی مال دولت به او سپرده شده، آن را به طریق نامشروع تصاحب نماید.» (ولدی، ۱۳۸۹ق، ج ۲، ص ۳۱۲)

۲. «مختلس مأمور دولت یا مأمور خدمات عمومی یا یکی از شرکت‌های دولتی یا وابسته به دولت یا مأمور سایر مؤسساتی است که به کمک مستمر دولت اداره می‌شود و آگاهانه اموال و وجوه متعلق به دولت را - که بر حسب وظیفه و به‌طور امانی به او سپرده شده - به نفع خود یا برخلاف اصل امانت‌داری تصاحب و برداشت می‌نماید.» (شامبیانی، ۱۳۷۵ش، ص ۱۳۳)

۳. «اختلاس اقدام مستخدم دولت یا شخص در حکم مستخدم دولت به برداشت و تصاحب مالی به نفع خود یا دیگری است که به سبب شغل و وظیفه، در اختیار او بوده است؛ به عبارت دیگر اختلاس، تصاحب خلاف امانت مأمور دولت در اموالی است که به حسب وظیفه به او سپرده شده است.» (حیب‌زاده، ۱۳۸۸ش، ج ۱، ص ۲۲۷).

با توجه به تعاریف حقوقدانان محترم، که برای واژه اختلاس بیان کرده‌اند، ذکر سه نکته قبل از جمع‌بندی ماهیت اختلاس در حقوق، لازم می‌باشد:

۱. اختلاس در زبان فارسی با واژه «غلول» در زبان عربی مترادف است و غلول به معنای سرقت از بیت المال یا غنیمت است. عمید در فرهنگ عمید ذیل واژه اختلاس می‌نویسد: «ربودن، زود ربودن، دزدیدن، پولی را بدون حق از بنگاه یا اداره‌ای برداشتن.» (عمید، ۱۳۸۸ش، ص ۶۷) به همین خاطر نباید واژه اختلاس را در زبان فارسی و عربی به معنای واحد قلمداد کرد.

۲. به تخلف کارمندان دولتی در بودجه‌هایی که زیر نظر آنان می‌باشد، اختلاس

صادق است، به دلیل وجود ماده پنج قانون تشدید رشاء و ارتشاء و اختلاس.

۳. یکی از شرایط تحقق جرم خیانت در امانت، سپردن مال به شخص می‌باشد.

با عنایت به نکات بالا و مصادیق و تعاریفی که در مورد اختلاس از ناحیه حقوقدانان محترم مطرح گردید، می‌توان ماهیت جرم اختلاس را در حقوق ایران، این‌چنین تعریف کرد: «اختلاس عبارت است از خیانت در امانت کارکنان دولتی، به‌طوری که اموال دولتی یا اموال اشخاصی که به دست آنان سپرده شده است، توسط آنان تصاحب و یا اتلاف گردد».

مجمع تشخیص مصلحت نظام در تاریخ ۱۳۶۷/۹/۱۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری را به تصویب رساند. در ماده پنج و شش این قانون، به احکام و مجازات اختلاس اشاره کرده و جرم اختلاس را این‌چنین اظهار می‌دارد:

ماده ۵- هر یک از کارمندان و کارکنان اداری و سازمان‌ها یا شوراهای شهرداری‌ها و موسسات و شرکت‌های دولتی که به کمک مستمر دولت اداره می‌شوند یا دارندگان پایه قضایی به‌طور کلی قوای سه‌گانه و همچنین نیروهای مسلح و مامورین به خدمات عمومی از رسمی یا غیر رسمی وجوه یا مطالبات یا حواله‌ها یا سهام و اسناد و اوراق بهادار و یا سایر اموال متعلق به هر یک از سازمان‌ها و موسسات فوق‌الذکر و یا اشخاص را که بر حسب وظیفه به آنها سپرده شده است به نفع خود یا دیگری برداشت و تصاحب نماید مختلس محسوب و بترتیب زیر مجازات خواهد شد:

در صورتی که میزان اختلاس تا پنجاه هزار ریال باشد مرتکب به شش ماه تا سه سال حبس و شش ماه تا سه سال انفصال موقت و هرگاه بیش از این مبلغ باشد به دو تا ده سال حبس و انفصال دائم از خدمات دولتی و در هر مورد علاوه بر رد وجه یا مال مورد اختلاس به جزاء نقدی معادل دو برابر آن محکوم می‌شود.

تبصره ۱- در صورت اتلاف عمدی مرتکب علاوه بر ضمانت به مجازات اختلاس محکوم می‌شود.

تبصره ۲- چنانچه عمل اختلاس توأم با جعل سند و نظایر آن باشد در صورتی که میزان اختلاس تا پنجاه هزار ریال باشد مرتکب به ۲ تا ۵ سال حبس و یک تا ۵ سال انفصال موقت و هر گاه بیش از این مبلغ باشد به ۷ تا ده سال حبس و انفصال دائم از خدمات دولتی و در هر دو مورد علاوه بر رد وجه یا مال مورد اختلاس به جزاء نقدی معادل دو برابر آن محکوم می‌شود.

تبصره ۳- هر گاه مرتکب اختلاس قبل از صدور کیفرخواست تمام وجه یا مال مورد اختلاس را مسترد نماید دادگاه او را از تمام یا قسمتی از جزاء نقدی معاف می‌نماید و اجراء مجازات حبس را معلق ولی حکم انفصال درباره او اجراء خواهد شد.

تبصره ۴- حداقل نصاب مبالغ مذکور در جرائم اختلاس از حیث تعیین مجازات یا صلاحیت محاکم اعم از این است که جرم دفعتاً واحده یا به دفعات واقع شده و جمع مبلغ مورد اختلاس بالغ بر نصاب مزبور باشد.

تبصره ۵- هر گاه میزان اختلاس زائد بر صد هزار ریال باشد، در صورت وجود دلایل کافی، صدور قرار بازداشت موقت به مدت یک ماه الزامی است و این قرار در هیچ‌یک از مراحل رسیدگی قابل تبدیل نخواهد بود. هم‌چنین وزیر دستگاه می‌تواند پس از پایان مدت بازداشت موقت، کارمند را تا پایان رسیدگی و تعیین تکلیف نهائی وی از خدمت تعلیق کند. به ایام تعلیق مذکور در هیچ حالت هیچ‌گونه حقوق و مزایائی تعلق نخواهد گرفت.

تبصره ۶- در کلیه موارد مذکور در صورت وجود جهات تخفیف دادگاه مکلف به رعایت مقررات تبصره یک ماده یک از لحاظ حداقل حبس و نیز بنا به حداقل انفصال موقت و یا انفصال دائم خواهد بود.

ماده ۶- مجازات شروع به اختلاس حسب مورد حداقل مجازات مقرر در همان مورد خواهد بود و در صورتی که نفس عمل انجام شده نیز جرم باشد، شروع کننده به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌شود. مستخدمان دولتی علاوه بر مجازات مذکور چنانچه در مرتبه مدیرکل یا بالاتر و یا هم طراز از آنها باشند به انفصال دائم از خدمات دولتی و در صورتی که در مراتب پائین تر باشند به شش ماه تا سه سال انفصال موقت از خدمات دولتی محکوم می‌شوند».

به نظر می‌رسد، لازم است معنای لغوی تصاحب و برداشت بررسی شود تا تفاوت میان این دو واژه مشخص گردد.

«برداشت» مصدر مرخم «برداشتن» است. دهخدا برداشت را به آنچه دکاندار یا یکی از دو شریک نقود حاضر بهر خود بر گیرد، معنا کرده است. همچنین برداشت کردن را به از دخل یا صندوق مشترک یا انحصاری مبلغی را به نام خود تصرف کردن، معنا می‌کنند (دهخدا، ۱۳۷۷ش، ج ۳، ص ۳۹۳۷).

دهخدا در مورد واژه «تصاحب» می‌نویسد: «تصاحب یعنی مالکیت و صاحب‌شدگی - صاحب و مالک شمردن و شدن» (همان، ج ۴، ص ۵۹۲۳). در ادامه می‌آورد: «این لفظ که به شکل عربی است و در عربی استعمال نشده است و جعل فارسی زبانان از لفظ صاحب است. لفظ صاحب در لغت به معنای مصاحبت و دوستی است ولی معمولاً آن را از کلمه صاحب به معنای مالک می‌گیرند و به جای تملک استعمال می‌کنند» (همان) وی در مورد «تصاحب کردن» می‌گوید: «مصدر مرکب به معنای مالک شدن، در تصرف خود در آوردن می‌باشد». (همان)

با عنایت به مطالب ارائه شده، فهمیده می‌شود که اختلاس در بیشتر موارد از وجوه نقد به وسیله کسانی که با پول نقد و امور مالی منقول، سرو کار دارند، صورت می‌گیرد؛ لذا برداشت را ناظر به تملک و تصرف مالکانه وجه نقد و تصاحب را ناظر به تملک تصرف مالکانه سایر اموال دانسته است. بدین ترتیب ملاک و معیار تحقق جرم اختلاس، تصاحب و از آن خود ساختن مال است و در این جرم - همانند خیانت در امانت - معمولاً عدم استرداد یا امتناع از رد مال با وجود مطالبه صاحب مال می‌تواند کاشف از تصاحب مال توسط مرتکب باشد. در نتیجه قانونگذار برداشت و تصاحب را به یک معنا بکار برده است؛ یعنی هر دو را به معنای تملک و تصرف مالکانه در مال، استعمال کرده است. به تعبیر دیگر برداشت و تصاحب هرکدام مصداقی از رفتار مجرمانه اختلاس هستند. به طور خلاصه کشف و احراز وقوع اختلاس، پی بردن به تغییر نحوه تصاحب و مداخله در مال است که حسب مورد می‌تواند متنوع و متفاوت باشد. در رابطه با اموال غیر منقول همانند خانه، شخص اگر آن را تصاحب کند و مانع از

برگرداندن آن شود، اختلاس نیست؛ بلکه غصب یا کلاهبرداری و یا جعل سند و ... می باشد و تحت عنوان اختلاس فقهی و حقوقی نمی باشد.

۵. تمایزات اختلاس در فقه و قانون

۱. مختلس از لحاظ قانونی باید کارمند دولت باشد؛ بخلاف مختلس در فقه که به مجرد ربودن آشکار، اختلاس تحقق می یابد.
۲. متعلق اختلاس در فقه، باید اموال منقول باشد، زیرا اختلاس در ربودن خانه و باغ و به طور کلی اختلاس اموال غیرمنقول، در فقه معنا ندارد؛ برخلاف حقوق که قیدی از این جهت در موضوع اختلاس، اخذ نشده است. البته اختلاس از بانکها به دلیل این که از یک حساب به حساب دیگری واریز می شود، اختلاس فقهی نیست؛ زیرا ربودن آشکار تحقق نیافته بلکه متصدی بانک نسبت به حساب بانکی و اموالی که در حساب بوده، خیانت کرده و مختلس حقوقی محسوب می شود. ناگفته نماند که جابجایی حسابهای اشخاص، درست است که تحت عنوان اختلاس فقهی نمی باشد، چه بسا ممکن است تحت عناوین شرعیه دیگر همچون قاعده ید و یا خیانت در امانت و ... قرار بگیرد و احکام خاص خود را دارا باشد.
۳. اختلاس در فقه، جنبه خصوصی دارد و برای مطرح شدن در محاکم قضایی نیاز به شکایت شاکی دارد؛ برخلاف اختلاس در حقوق از آن جهت که به اموال عمومی تعلق می گیرد، جنبه عمومی نیز دارد و مدعی العموم می تواند، مجازات مختلس را درخواست بنماید.

۶. تشابهات اختلاس در فقه و قانون

۱. اختلاس در فقه و حقوق به مال تعلق می گیرد.
۲. مجازات مختلس در فقه، تعزیر می باشد که میزان مجازات آن به دست امام معصوم علیه السلام یا مجتهد جامع الشرایط می باشد و این در حالی است که قانونگذار نیز حکم مختلس را از جمله جرایم تعزیری قلمداد نموده است و مجازات حبس و جریمه مالی برای مختلس در نظر گرفته است.

به طور خلاصه ماهیت رایج اختلاس در حقوق، ناظر به معنای غلول (خیانت کردن در بیت‌المال یا خیانت کردن در غنیمت پیش از تقسیم) است؛ به دلیل این که با توجه به نظر نگارنده اختلاس در حقوق نوعی خیانت در امانت اموال عمومی محسوب می‌شود و اختلاس در فقه یکی از اقسام سرقت‌های تعزیری می‌باشد. بنابراین ماهیت اختلاس در فقه با ماهیت اختلاس به صورت عام و خاص من وجه است که در برخی از مصادیق، اشتراک و در برخی مصادیق دیگر افتراق دارند.

۷. نتیجه

۱. در روایات وارده اختلاس عبارت است از سلب کردن و سریع ربودن اموال دیگری که به صورت آشکار و همراه با غفلت صاحب آن باشد.
۲. اختلاس در فقه عبارت است از ربودن آشکار و سریع مال، بدون سلاح و زور که با غفلت صاحب مال، همراه باشد.
۳. اختلاس در حقوق عبارت است از خیانت در امانت کارکنان دولتی، به طوری که اموال دولتی یا اموال اشخاصی که به دست آنان سپرده شده است، توسط آنان تصاحب و یا اتلاف گردد.
۴. اختلاس در حقوق ناظر به سرقت و تعدی کارمند دولت است ولی اختلاس در فقه ناظر به سرقت از اموال شخصی غیر منقول می‌باشد.

فهرست منابع

قرآن کریم.

- ابن اثیر، مبارک بن محمد (بی تا)، *النهاية في غريب الحديث و الأثر*، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ اول.
- ابن ادريس حلی، محمد بن منصور بن احمد، *السرائر الحاوی لتحرير الفتاوی*، ۳ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، دوم، ۱۴۱۰ هـ ق.
- ابن براج، عبد العزيز (۱۴۰۶ق)، *المهذب*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزيع و دار صادر، چاپ سوم.
- ابو الحسين، احمد بن فارس بن زکریا (۱۴۰۴ق)، *معجم مقائیس اللغة*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق)، *مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- اصفهانی، محمد بن حسن (فاضل هندی) (۱۴۱۶ق)، *کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحکام*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
- آموزگار، حبیب الله (۱۳۳۲ش)، *فرهنگ آموزگار*، تهران: بی نا.
- انوری، حسن (۱۳۸۷ش)، *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران: انتشارات سخن، چاپ ششم.
- بروجردي، سيد حسين (۱۳۸۶ش)، *جامع أحاديث الشيعة*، تهران: انتشارات فرهنگ سبز، چاپ اول.
- تبریزی، جواد بن علی (۱۴۱۷ق)، *أسس الحدود و التعزیرات*، قم: دفتر مؤلف، چاپ اول.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ق)، *الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة*، بیروت: دار العلم للملایین، چاپ اول.
- حبیبزاده، محمدجعفر (۱۳۸۸ش)، *حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه اموال)*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها، چاپ ششم.
- حبیبزاده، محمدجعفر و عباس منصورآبادی، «بررسی تطبیقی اختلاس با تصرف غیر قانونی در حقوق کیفری ایران»، *مدرس علوم انسانی*، دوره چهارم، شماره ۲، بی تا.
- حلبی، حمزة بن علی (۱۴۱۷ق)، *غنية النزوع إلى علمی الأصول و الفروع*، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، چاپ اول.
- حلی، جعفر بن حسن (محقق حلی) (۱۴۰۸ق)، *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم.

- _____ (۱۴۱۸ق)، المختصر النافع فى فقه الإمامية، قم: مؤسسة المطبوعات الدينية، چاپ ششم.
- حلى، حسن بن يوسف (علامه حلى) (۱۴۱۴ق)، تذكرة الفقهاء، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام، چاپ اول.
- _____ (۱۴۲۰ق)، تحرير الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية، قم: مؤسسه امام صادق عليه السلام، چاپ اول.
- خليل، جر (۱۳۷۳ش)، فرهنگ لاروس، مترجم سيد احمد طبيبيان، تهران: امير كبير، چاپ پنجم.
- دهخدا، على اكبر (۱۳۷۷ش)، لغت نامه دهخدا، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- راغب اصفهاني، حسين بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، سوریه: دار العلم - الدار الشامية، چاپ اول.
- رمضانى، احمد (۱۳۸۰ش)، بررسی فقهی حقوقی اختلاس، تهران: مركز نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، چاپ اول.
- زمخشرى، محمود بن عمر (۱۴۱۷ق)، الفائق فى غريب الحديث، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول.
- شامبىاتى، هوشنگ (۱۳۷۵ش)، جرایم عليه اموال و مالکیت، تهران: انتشارات و ستار، چاپ دوم.
- صاحب بن عباد، اسماعيل بن عباد (۱۴۱۴ق)، المحيط فى اللغة، بيروت: عالم الكتاب، چاپ اول.
- صدوق، محمد بن على بن بابويه (۱۳۸۶ش)، علل الشرائع، قم: کتابفروشى داورى، چاپ اول.
- طباطبايى حائرى، سيد على بن محمد (۱۴۱۸ق)، رياض المسائل، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام، چاپ اول.
- طريحي، فخر الدين (۱۴۱۶ق)، مجمع البحرين، تهران: کتابفروشى مرتضوى، چاپ سوم.
- طوسى، محمد بن حسن (۱۳۸۷ش)، المبسوط فى فقه الإمامية، تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، چاپ سوم.
- _____ (۱۴۰۰ق)، النهاية فى مجرد الفقه و الفتاوى، بيروت: دار الكتاب العربى، چاپ دوم.
- طوسى، محمد بن على بن حمزه (۱۴۰۸ق)، الوسيلة إلى نيل الفضيلة، قم: انتشارات كتابخانه آية الله مرعشى نجفى عليه السلام، چاپ اول.
- عاملى، زين الدين بن على (شهيد ثانی) (۱۴۱۲ق)، الروضة البهية فى شرح اللمعة الدمشقية (المحشى - سلطان العلماء)، قم: انتشارات دفتر تبليغات اسلامى حوزه علميه قم، چاپ اول.
- عاملى، على بن حسين (محقق كركى) (۱۴۱۴ق)، جامع المقاصد فى شرح القواعد، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام، چاپ دوم.

- عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعة*، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام، چاپ اول.
- عمید، حسن (۱۳۸۸ش)، *فرهنگ نما*، تهران: بی نا.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق)، *کتاب العین*، قم: نشر هجرت، چاپ دوم.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۲ق)، *القاموس المحیط*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
- فیض کاشانی، محسن (۱۴۱۵ق)، *تفسیر الصافی*، تهران: مکتبه الصدر، چاپ دوم.
- فیومی، احمد بن محمد (بی تا)، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی*، قم: منشورات دار الرضی، چاپ اول.
- قماشی، سعید (بی تا)، «مطالعه و بررسی جرم دزدی از دیدگاه فقه و حقوق و قانون مجازات اسلامی»، *مجله فقه اهل بیت علیه السلام*، ش ۱۵.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ چهارم.
- معلوف، لوئیس (۱۳۸۴ش)، *المنجد فی اللغة*، مترجم محمد بندرریگی، تهران: انتشارات ایران، چاپ پنجم.
- معین، محمد (۱۳۷۵ش)، *فرهنگ فارسی معین*، تهران: امیر کبیر، چاپ نهم.
- مغربی، نعمان بن محمد تمیمی (۱۳۸ق)، *دعائم الإسلام*، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام، چاپ دوم.
- موسوی اردبیلی، سید عبد الکریم، *فقه الحدود و التعزیرات*، قم: مؤسسه النشر لجامعة المفید علیه السلام، چاپ دوم.
- موسوی خمینی، سید روح الله (بی تا)، *تحریر الوسيلة*، قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم، چاپ اول.
- موسوی خویی، سید ابو القاسم (۱۴۲۲ق)، *مبانی تکملة المنهاج*، قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی علیه السلام، چاپ اول.
- نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ق)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم.
- واسطی، زبیدی، سید محمد مرتضی (۱۴۱ق)، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ اول.